

شماره جلسه: ۱۵۱ درس خارج فقه آیه الله نجفی دامنه تاریخ: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ سه شنبه

مقرر: مصطفی اله دادی

موضوع عام: مسائل مستحدثه موضوع خاص: بورس و اوراق بهادار موضوع اخص: (۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سهامدار یک شرکت تجاری یا تولیدی که سند مالکیت یک سهام را در اختیار دارد می تواند آنرا در بازارهای بورس زیر معامله کند. به عبارت دیگر یک سهامدار می تواند اوراق بهادار خود را در این بازارها معامله و دادوستد کند.

(۱) بازار نامنظم

نوع نخست بازار بورس، بازار نامنظم است. نامهای دیگر این بازار عبارت از: بازار غیر رسمی، بازار سیاه، بازار کنترل نشده و فرابورس^۱ (OTC) می باشد. و همه این عنوان ها بیانگر آن است که این بازار، تابع یک نظم معین نیست و ظرفیت گردش قیمت ها به نحو عادلانه در آن فراهم نمی شود. بلکه در این بازار، رفتار واسطه گران، دلالان، سرمایه گذاران و مضارب به کنندگان بر نوسان قیمت ها و از بین بردن توازن بین عرضه و تقاضا بسیار اثرگذار است.

به عبارت دیگر در این بازار معلوم نیست که اوراق بهادار به اندازه و ارزش واقعی شان داد و ستد شوند بلکه ممکن است آنها به قیمتی بیشتر یا کمتر خرید و فروش شوند که بستگی به نوع و رفتار دلال های بازار آزاد دارد. به این افراد وسطا و سمایره گفته می شود. این دلال ها گاهی پیشنهاد های جعلی و کاذب زیاد با مبالغ بالا برای یک سهم ارائه می کنند، لذا ارزش آن سهام بالا

۱. مخفف: Over The Counter یعنی داد و ستد خارج از بورس رسمی.

می‌رود و اصطلاحاً برایش حباب ایجاد می‌شود. در این بازار نوعی فریب و حقه‌بازی وجود دارد. گاهی نیز برخی دلالتان با تبانی بر عدم خرید یک سهم موجب کاهش ارزش آن می‌شوند و سپس آن را معامله می‌کنند و بعداً دوباره آنرا با تبانی بر تقاضای بالا به قیمت بالاتری می‌فروشند و با این کار موجب ورشکستگی صاحبان اصلی سرمایه را فراهم می‌کنند.

برخی افراد با ایجاد شرکت‌های کارگزاری بورس اقدام به جذب سرمایه‌های مردم می‌کنند و اصطلاحاً صندوق سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کنند. این شرکت‌ها با صاحبان سرمایه قرارداد منعقد کرده و بر اساس آن سودی تضمینی به آنها می‌پردازند.

گاهی این شرکت‌های بورسی با استفاده از سرمایه‌های جذب شده سود سرشاری کسب می‌کنند ولی مبلغ یا سود ناچیزی را که در قرارداد منعقد کرده‌اند به صاحبان سرمایه می‌پردازند و البته سود بالاتر را خودشان تصاحب می‌کنند. این کار آنها یک دزدی آشکار است، چرا که این سود در واقع از صاحب سرمایه است و آنچه این شرکت‌ها مستحقش هستند صرفاً یک حق‌العمل و دلالتی است نه بیش از آن.

از آنجایی که دولت سیستمی ندارد که به کار این شرکت‌ها نظارت کند، لذا سودهای سرشاری می‌برند و به صاحبان اصلی سرمایه سود کمتری را می‌دهند هرچند صاحبان اصلی سرمایه از روی ناآگاهی راضی و خشنود می‌شوند ولی این کار شرکت‌ها چیزی جز فریب و نیرنگ نیست. اگر آنها یک حق‌العمل و اجرت دلالتی یا سود معقول و کمیسیون صحیحی را دریافت کنند و سود اصلی را به صاحب سرمایه بدهند اشکالی ندارد. این شرکت‌های واسطه‌گر در بورس با این فریب به سود سرشاری برای خود دست می‌یابند ولی سود بسیار ناچیزی را به صاحب سرمایه می‌دهند. در روند کاری که آنها انجام می‌دهند هیچ‌گونه شفاف‌سازی وجود ندارد و سود حقیقی را به صاحب سرمایه اعلام نمی‌کنند و در واقع نوعی کلاهبرداری انجام می‌دهند.

این شرکت‌ها با اقدامات ناصحیح و غیرمشروع خود موجب می‌شوند که تولید کاهش یابد و تورم افزایش پیدا کند و اوضاع اقتصادی متشنج گردد.

اگر همین صندوق‌های سرمایه‌گذاری بورس مورد نظارت و شفاف‌سازی قرار گیرند و سود واقعی را به سهام‌داران ارائه کنند، رانت و فساد از ناحیه آنها برچیده می‌شود و تولید رونق می‌گیرد و تورم از

بین می‌رود و اوضاع اقتصادی سامان می‌یابد. ناگفته نماند که آنچه در مورد این نوع از بازار بورس گفته شد اسراری بود که هویدا گشت.